■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۸۸ ■ یکشنبه ■ ۲۴ اسفند ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه جام‌جم برتر برنا
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۳ | اذان مغرب ۱۸/۳۰ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۱ | اذان صبح فردا ۴/۵۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۱۴

سخن روز

امام سجاد(ع):
تمام خیرات و خوبی‌های دنیا و آخرت را در چشم‌پوشی و قطع طَمَع از زندگی و اموال دیگران می‌بینم.
اصول کافی، ج۲، ص۳۲۰

پوران درخشنده: پژوهش است که راه من را باز می‌کند

نقش پژوهش بخصوص در فیلم‌های اجتماعی بسیار مهم است، چراکه فیلمساز باید بدین وسیله نموداری از مسائل مختلفی را که جامعه با آن درگیر است رسم و بر آن اساس دریک اثر، درباره آنها صحبت کند. در کارهای خودم اصولاً بر همین اساس جلو می‌روم زیرا من معتقدم پژوهش است که راه من را باز می‌کند و مسیر درست را نشانم می‌دهد. نمی‌شود بدون هیچ تحقیقی تنها بر اساس یک آیتم جلو رفت و فکر کنیم که می‌شود با آن یک اثر عمیق خلق کرد. همه مسائل و آسیب‌های اجتماعی روابط علت و معلولی دارند، نمی‌توان فقط به دنبال معلول راه افتاد و فیلم ساخت. نقش پژوهش در اثر سینمایی انکارناپذیر است چراکه یک فیلمساز باید اثرش را براساس یک واقعیت اجتماعی که از همه زوایا به آن نگاه کرده است، بسازد.

بخشی از سخنان کارگردان فیلم سینمایی «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» به نقل از روابط عمومی جایزه پژوهش سینمایی

این روز را مردم فقط کامپیوتر دارن و دستگاه اسپرسو. جامعه‌ای که توی اون هیچ کس نمی‌تونه به یه روش منطقی، با دست بنویسه و با دست قهوه دم کنه، کجا میره؟ کجا...!؟

رمان مردی به نام اُوِه
نویسنده فردریک بکمن
مترجم محمدجواد نعمتی

نـــگاره
نیما شاه‌میری

شارژ کادر درمان رو به اتمام است

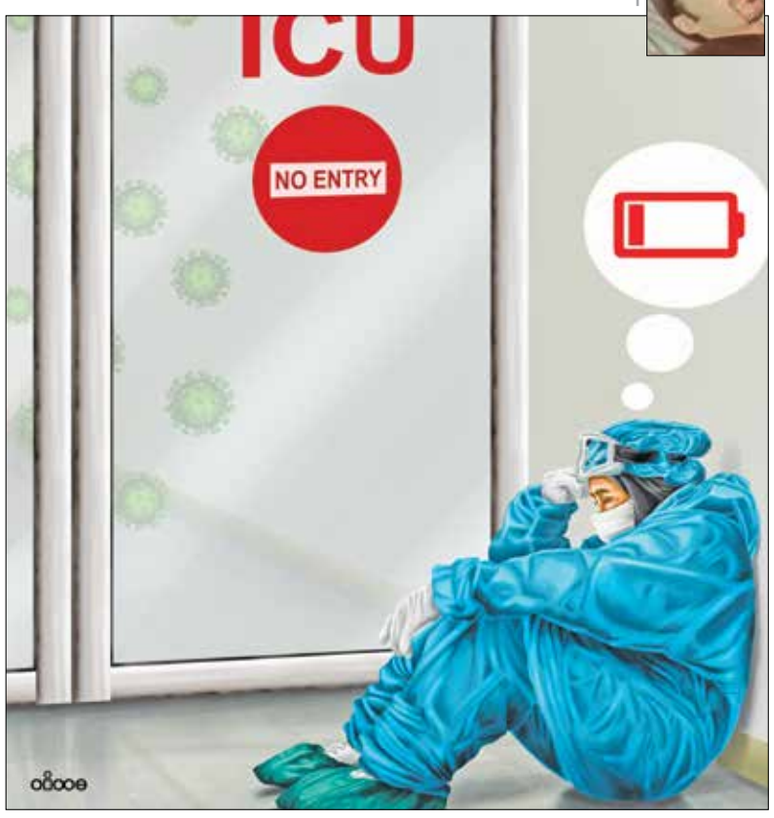

آسیب بزرگی که اقتصاد فرهنگ و هنر از کرونا و تحریم دید

یادداشت

حمیدرضا شاهشجوانی
پژوهشگر اقتصاد فرهنگ

مدتی است کرونا و تحریم اقتصاد فرهنگ و هنر را تحت تأثیر خودشان گرفته‌اند و به نظر می‌رسد خدمات حضوری بخش فرهنگ رکود بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند چرا که تحریم و کرونا روی هم اثر افزایشی داشته‌اند.

در پژوهشی که درباره اثرات تحریم در بخش فرهنگ انجام دادم مشخص شد که بخش فرهنگ زودتر و بیشتر از سایر بخش‌ها از تحریم صدمه می‌بیند و اکنون می‌توانیم بگوییم که بیشتر و زودتر از سایرین از رکود ناشی از کرونا هم صدمه می‌بینند.

اما با چه راهکارهایی می‌توانیم راه بخش آسیب دیده را به سوی رونق تغییر دهیم؟ راستش تا زمانی که تحریم‌ها از دوش ایران برداشته نشود و خدمات فرهنگی دیجیتال ما مقیاس‌پذیر نشوند ما از این بحران بیرون نمی‌آییم و اگر این بحران طولانی شود، فرصت و توان ما برای جبران آن کمتر می‌شود. ما در میان چند حوزه تمدنی قرار گرفته‌ایم؛ تمدن هندو پاکستان، تمدن اعراب و تمدن ترک‌ها. تضاد منافع بین ما باعث ناتوانی ما در رونق‌دهی به بخش فرهنگ می‌شود که آنها منافع‌شان را جانشین منافع حوزه تمدنی ایران کنند. صنایع خلاقی که در کشور داریم در آینده به طور کلی در تمام جهان بزرگ‌تر می‌شود و سرعت این رشد اتفاقاً در مورد خاورمیانه بیشتر است و براساس بررسی‌های انجام شده میانگین سرعت رشد کشورهای خاورمیانه در بخش صنایع خلاق از میانگین رشد باقی کشورهای جهان بالاتر است. از این جهت هرچقدر ما بیشتر در این بحران باقی بمانیم فرصت‌مان برای بهره‌برداری از این پنجره اقتصادی کوتاه‌تر می‌شود و اگر فرصت پیشتازی را به دیگران بدهیم برای مدت‌ها باید دنباله رو باشیم. وقتی به‌طور کلی روندهای آتی اقتصاد فرهنگ را در جهان بررسی می‌کنیم متوجه می‌شویم که سهم اقتصاد فرهنگ در آینده چه در اشتغال و چه در تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا می‌کند. متوجه می‌شویم در بلندمدت احتمال بزرگ‌تر شدن سهم فرهنگ و هنر بالاست و نرخ رشد آن به نسبت سایر صنایع بیشتر خواهد بود. اما این به این معنی نیست که اهالی فرهنگ و هنر زندگی بهتری خواهند داشت، چرا که بازار فرهنگ بازار «برنده صاحب همه چیز» است و کسی که ستاره است سهمش از این افزایش بسیار بیشتر از کسی است که ستاره نیست. رونق صنایع خلاق به شیوه دایره مُقَوّم گفته می‌شود. یعنی اثر عوامل بر یکدیگر دوری و افزایشی است. در شکست‌ها هم همین اتفاق می‌افتد. شکست بخش‌های مرکزی مثل هنرهای نمایشی، ادبیات و هنرهای تجسمی، شکست‌های راحت‌تری برای سایر بخش‌ها رقم می‌زند، هرچه به آنها بیشتر فشار وارد شود اثرات شکست بیشتر می‌شود. هنوز هم درک درستی از میزان آسیبی که به ما وارد شده نداریم و احتمالاً این شکست‌ها در آینده به‌صورت تکاثری تقویت می‌شوند.

این شکست در صورتی متوقف می‌شود که تحریم‌ها برداشته شوند و بتوانیم محصولات فرهنگی دیجیتال‌مان را مقیاس پذیر کنیم. یعنی به جای اینکه محصول فرهنگی‌مان را به ۱۰ هزار نفر عرضه کنیم این امکان را داشته باشیم که آن را به ۱۰ میلیون نفر عرضه کنیم. در این صورت شانس موفقیت‌مان بیشتر می‌شود. اما در این مدت اتفاق دیگری هم افتاده است که به بازار محصولات فرهنگ و هنر در داخل کشور هم آسیب زده است: به‌طور کلی وقتی درآمد قابل تصرف مردم کاهش پیدا می‌کند مصرف فرهنگی‌شان هم کاهش پیدا می‌کند و میل دارند از خدماتی استفاده کنند که حداقل هزینه را داشته باشند. مثلاً محصولات فرهنگی و هنری را دانلود کنند و ببینند و با توجه به اینکه اجرای کپی رایت در کشور دچار مسأله است و سازمان‌های مدیریت جمعی حقوق هم نداریم، نقصان و خسران آن بیشتر می‌شود. در این شرایط مردم پول کمتری خرج فرهنگ می‌کنند اما چنانچه فرهنگ کارویژه خودش را پیدا کند می‌تواند معادله را کمی تغییر دهد. یعنی نقشی حیاتی که هنر در بحران‌هایی مانند کرونا و تحریم بر عهده دارد، بدرستی ایفا کند. مردمی که دائماً با خبرهای بد و ناگوار مواجه می‌شوند و ناراحتی‌هایشان تشدید می‌شود، هنر را راهی برای برون رفت از اوضاع می‌بینند. اگر هنر کارویژه امید، همبستگی و خرسندی را بر عهده بگیرد و محصولات متناسب با آن تولید کند بازار فرهنگ و هنر هم رونق پیدا می‌کند. کاهش تیرگی‌ها و حال خوب ارمغان این کارویژه هنر در بحران است. چنانچه این مسأله در هنر کشور در اولویت باشد احتمالاً مردم تمایل بیشتری به مصرف و هزینه کردن برای آن بخش دارند چرا که می‌خواهند این دریچه نوید بخش روشنایی پایدار بماند. البته که کار بسیار سختی است و به قول خواجه «کی شعرتر انگیزد خاطر که حزین باشد؟» با این حال کسی برنده است که بتواند این وضعیت را درک کند و با اینکه حال خودش خوب نیست چیزی به مردم عرضه کند که حال مردم را خوب کند. این وضعیت را در میزان بازدید ویدئوهای منتشر شده در اینستاگرام می‌بینیم. کیهان کلهر در این مدت کارهایی انجام داد که نشان می‌دهد او کارویژه هنر را در بحران بدرستی دریافته است. این رویکرد شاید بتواند اقتصاد فرهنگ و هنر ایران را اندکی به پیش راند.

در مرور کتاب میرزاده عشقی نوشته دکتر اردشیر صالح‌پور

متولد مشروطه

پیاده رو

ارمغان بهداروند
شاعر

موقعیت اجتماعی شعر امروز متولد مشروطه است. موقعیتی که با رواج نظام آموزشی، انتشار روزنامه، امکان ترجمه و سفرهای فرنگ تقویت گردید. آرایش گفتمانی ادبیات تغییر پیدا می‌کند و کنشگری شاعران به تولید مطالبات تازه‌ای در طبقات اجتماعی دامن می‌زند. رویکرد زبانی و فلسفه ایجادی ادبیات این عصر برخلاف ادبیات غالب، مشتمل بر دو اصل ساده‌نویسی و مسئولیت اجتماعی واقع شده بود و همین تقرّب ادبیات به مردم که از پس سال‌ها تأخیر رقم می‌خورد؛ به نوعی می‌تواند به‌عنوان نخستین جلوه‌های ظهور خرد جمعی و تقویت اراده عمومی محسوب شود. «میرزاده عشقی» در چنین موقعیتی با خروج از زبان معیار ادبیات و دخالت زبان گفتار در ساخت ادبی، تمایز خود را علنی می‌کند. گزاره‌های غالب ادبی این روزگار نه بدعت‌های ادبی و اعجازهای هنری بلکه پیدایش و پیمایش دردهای اجتماعی و همزبانی با مردمی است که از فرط بی‌سوادی و محرومیت‌های اجتماعی، «عوام‌الناس» خطاب می‌شدند و به غایت نقش تقلیل‌یافته‌ای در مناسبات حکومتی داشتند. هر چند این تمایز بنا به نوسانات و لغزش‌های زبانی، کیفیت هنری و ارزش ادبی برخی آثار عشقی را ساقط کرده است اما با احتساب زمان اتفاق و نوتجربگی‌ها، استفاده از اصطلاحات قرن بیستمی، واژگان فرانسوی، الفاظ غیررایج، رکاکت لفظ (اروتیک متنی) که به تفرّد زبان و تمایز آثار او منتهی گردید، فهم غالب میرزاده عشقی از نهاد ادبیات را به نمایش می‌گذارد.

«اردشیر صالح‌پور» به مناسبت یکصد سالگی اجرای نمایش اپرای رستاخیز سلاطین ایران در اصفهان، به بررسی فصل‌هایی از زندگی این شاعر و نمایشنامه‌نویس شهید ایرانی پرداخته است و نکات کمتر ابراز شده‌ای از حیات عشقی را با مخاطب در میان گذاشته است. صالح‌پور با ارجاع درون متنی به تعریفی از «مهوش قویمی» و «شهناز شاهین» اپرا را گونه‌ای نمایشی می‌داند که «می‌بایست مجال ترکیب هماهنگ همه هنرها (شعر و موسیقی، تئاتر و رقص و نقاشی و معماری، کارگردانی و بازیگری) را تحت نظارت آهنگساز فراهم آورَد.» پدیده‌ای هنری که در بستر «شعر» شکل می‌گیرد و با دامن زدن به دیگر هنرها، مصداق مدرنیته روزگار مشروطه می‌شود. تشابهی تاریخی که می‌تواند «مشروطه ایرانی» را به «رنسانس غرب» انتساب دهد. اگر در غرب؛ تازگی جستارهای فلسفی و ابداعات هنری، دستکاری رنسانس محسوب می‌گردد، ابتکار میرزاده عشقی در تولید متمایز شعر با زبان‌ورزی‌های غیرقراردادی و بهره‌مندی از توانش اپرا را می‌توان از دستاوردهای مشروطه نامید. این پژوهش بخصوص در این روزها که تغییر و تمایز ادبی بیش از همیشه نیاز می‌شود، چشم مخاطبان را به دریچه‌هایی تازه از حیات هنری و اجتماعی میرزاده عشقی باز می‌کند و می‌تواند مرجعی مطمئن برای شناخت این شاعر نمایشنامه‌نویس در نظر گرفته شود. مرور این کتاب، احترام به نسلی است که با تأکید بر اصالت مردم در تولید ادبی، شکل فرمایشی ادبیات را منسوخ کردند.

شاعران برگزیده قرن اخیر در وزن دنیا

پیشنهاد

سید فرزام حسینی
شاعر

مجله «وزن دنیا» با نظرسنجی گسترده‌ای درباره انتخاب شاعران برگزیده سده اخیر و ۱۰۰ شعر از ۱۰۰ شاعر به استقبال نوروز ۱۴۰۰ رفت و در شماره سیزدهم وزن دنیا و در بخش شعر، می‌توانید از ۱۰۰ شاعر به انتخاب مجله وزن دنیا ۱۰۰ شعر بخوانید.

در بخش «تعریف و تبصره» این شماره با تیتر «در آستانه» گزارشی اجمالی از تاریخ شعر نو ایران خواهید خواند از آنچه که بر شعر مدرن فارسی تا واپسین سال قرن حاضر گذشته است.

در ادامه پرونده بخش تعریف و تبصره با تیتر «راویان درد مشترک» گفت‌وگوهایی خواهیم خواند درباره بررسی گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی در ۱۰۰ سال شعر ایران، در نشست‌هایی با مقصود فراستخواه، محمدرضا سرگلزایی، شهرام پرستش، شهلا لاهیجی، علی دینی‌ترکمانی و سروش دباغ و در نهایت شاعران برگزیده سده اخیر به انتخاب اهالی ادبیات اندیشه و هنر را خواهیم داشت، در این بخش «وزن دنیا» در یک نظرسنجی از ۹۰ نفر از اهالی ادبیات، اندیشه و هنر خواسته است که شاعران برگزیده ۱۰۰ سال اخیر را با معیارهای شخصی خودشان انتخاب کنند.

شماره سیزدهم «وزن دنیا»، در ۳۰۸ صفحه و به قیمت ۷۵ هزار تومان در کتاب‌فروشی‌ها و کیوسک‌های مطبوعاتی معتبر در دسترس مخاطبان شعر است و علاقه‌مندان می‌توانند برای آگاهی از مراکز خرید مجله به آدرس اینستاگرام و تلگرام مجله با عنوان @vaznedonya مراجعه و یا از سایت مجله www.vaznedonya.ir کسب آگاهی کنند.

مدیرمسئول «وزن دنیا» پوریا سوری و سردبیر آن علی مسعودی‌نیا است.

به نام تاریخ

■ ۲۴ اسفند

تنها ۶ روز به پایان سالی سخت باقی مانده است. در برگه تقویم امروز نام‌های بزرگی از دنیای فرهنگ و هنر ثبت شده که می‌توانیم کمی آثارشان را مرور کنیم.

■ **تولدها**

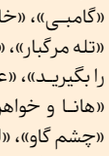

غلامحسین صدری افشار: فرهنگ‌نویس و مترجم ایرانی سال ۱۳۱۳ در چنین روزی به دنیا آمد. غلامحسین صدری افشار به دلیل درگذشت پدر و مادرش در پرورشگاه بزرگ شد و محمدرضا پهلوی هنگام بازدید از پرورشگاه از استعداد صدری شگفت‌زده شد و دستور داد امکانات تحصیل در اختیارش گذاشته شود. نخستین کتابش را در ۱۴ سالگی درباره زندگی در پرورشگاه نوشت و از دهه ۱۳۳۰ سرودن شعر را آغاز کرد که شعرهای او در کتاب «ابرهای سرگردان»، «آوای جان» و «نیایش» چاپ شدند. او با ماهنامه سخن همکاری می‌کرد و کار فرهنگ‌نویسی را از سال ۱۳۴۵ در بنیاد فرهنگ ایران آغاز کرد و این کار را تا پایان عمر ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی همکاری با مطبوعات را ادامه داد و در دهه ۱۳۸۰ «فرهنگ زبانزدهای فارسی» را منتشر کرد. او به دلیل نگارش فرهنگ‌های واژگان عمومی فارسی مانند «فرهنگ معاصر فارسی»، «فرهنگ فارسی اعلام» و «فرهنگنامه فارسی» شناخته می‌شود و «فرهنگ سه جلدی فرهنگ معاصر فارسی» مهم‌ترین اثر اوست. اما «تاریخ ایران»، «کتابنامه علوم ایران»، «فرهنگ مترجم»، «واژه‌نامه فنی» و «فرهنگ مشاغل سنتی» هم توسط او نوشته شده‌اند. صدری افشار کتاب‌های «از سنایی تا سعدی» نوشته ادوارد براون، «معماری ایران» و «کاکل طاووس» را هم به فارسی ترجمه کرد. او سال ۱۳۹۷ درگذشت.

مایکل کین: بازیگر انگلیسی مشهور سال ۱۹۳۳ متولد شد. سر مایکل کین باربر بازار ماهی بود و پس از پیوستن به ارتش انگلیس به بازیگری علاقه‌مند شد. او کارش را با دستیاری مدیر صحنه آغاز کرد و پس از آن وارد تلویزیون و تئاتر شد. بازی در فیلم «زولو» در سال ۱۹۶۴ کین را به شهرت رساند و دو سال بعد در فیلم‌های «پرونده ایکپرس» و «الفی» بازی کرد که شهرت او را بیشتر کرد. «گامبی»، «خاکسپاری در برلین»، «مغز بیلیون دلاری»، «تله مرگبار»، «کسب و کار ایتالیایی»، «آخرین دره»، «کارتر را بگیرید»، «عقاب فرود آمده»، «فرار به سوی پیروزی»، «هانا و خواهرانش»، «آرواره‌ها»، «آقای سرنوشت»، «چشم گاو»، «لیتل ویس»، «قوانین خانه سیدر» و «شوالیه تاریکی» از جمله فیلم‌هایی است که کین در آنها بازی کرده است. او برای «قوانین خانه سیدر» و «هانا و خواهرانش» برنده جایزه اسکار شد.

علیرضا زرین دست: مدیر فیلمبرداری شناخته شده سینمای ایران سال ۱۳۲۴ در چنین روزی متولد شد. علیرضا زرین‌دست کارش را با فیلم «وسوسه شیطان» در سال ۱۳۴۶ به عنوان دستیار فیلمبردار آغاز کرد و پس از آن در فیلم‌هایی مانند «خط قرمز»، «بای سیکل ران»، «دستفروش»، «سیمرغ»، «عروسی خوبان»، «گزل»، «کلوزآپ»، «عروس حلبچه»، «شب‌های زاینده رود»، «دو فیلم با یک بلیت»، «آبادانی‌ها»، «پرتگاه»، «پری»، «نابخشوده»، «ساحره»، «فریاد»، «ملاقات با طوطی»، «صبحانه‌ای برای دو نفر»، «حکم»، «آتش بس»، «موج سوم»، «بی پولی»، «متروپل»، «سرو زیر آب»، «فرزند خاک»، «مزارشریف»، «کفش‌هایم کو؟»، «خانه کاغذی»، «تیغ و ترمه» و «خون شد» به‌عنوان مدیرفیلمبرداری حضور داشت. او برای فیلم‌های «پری»، «سرو زیر آب» و «فرزند خاک» سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری را به‌دست آورده است.

● سالروز تولد **رشید وطن دوست** خواننده، **غلامحسین بیگدلی** شاعر و خوشنویس، **آندره پیر دو ماندیارگه** نویسنده فرانسوی، **دیان آربوس** عکاس امریکایی، **کوئینسی جونز** آهنگساز امریکایی، **جیمز نچوی** عکاس امریکایی، **ینی جانسون جرالد** بازیگر امریکایی، **کوین ویلیامسون** فیلمنامه‌نویس امریکایی، **دیوید کرانبرگ** فیلمساز کانادایی، **گئورگ فیلیپ تیلمان** آهنگساز آلمانی، **فاضل کوچوک** روزنامه‌نگار قبرسی، **عبدالسلام دهاتی** شاعر تاجیک، **عامرخان** بازیگر هندی، **جیمی بل** بازیگر انگلیسی، **انسل الگورت** بازیگر امریکایی و **کوری استول** بازیگر امریکایی هم امروز است.

■ **درگذشت‌ها**

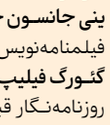

علی تجویدی: نوازنده برجسته ویولن سال ۱۳۸۴ در چنین روزی درگذشت. علی تجویدی متولد ۱۲۹۸ بود و پدر و برادرانش از نقاشان سرشناس بودند. او موسیقی را از کودکی از پدرش که در نقاشی شاگرد کمال‌الملک و در موسیقی شاگرد درویش خان بود آموخت. پس از آموختن فلوت و یاد گرفتن ردیف‌های ایرانی در ۱۲ سالگی، از ۱۶ سالگی شاگرد حسین یاحقی برای آموختن ویولن شد و پس از آن هم به کلاس‌های ابوالحسن صبا رفت. تجویدی هم نوازنده بسیار خوبی بود و هم قطعات موسیقی ماندگاری ساخت که «آتش کاروان»، «یاد کودکی»، «سفر کرده»، «می گذرم»، «آشفته حالی»، «صبرم عطا کن»، «پشیمانم»، «سنگ خارا» و «رفتم که رفتم» از جمله آنهاست. آلبوم «یاد استاد» سال ۱۳۷۷ با آثاری از تجویدی و با صدای علیرضا افتخاری منتشر شد. او در چهارمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۳ به عنوان چهره ماندگار موسیقی معرفی شد.

● **حسین امیرفضلی** بازیگر و کارگردان، **امیرمختار کریم پور شیرازی** مدیر روزنامه شورش و **خسرو شجاع زاده** بازیگر هم در چنین روزی درگذشتند.

#آرمان_رمضانی

هشتگ

خرید جدید تیم فوتبال استقلال خبرساز شد. آرمان رمضانی که به عنوان بازیکن مازاد تیم پرسپولیس اعلام شده بود، پس از درخواست فرهاد مجیدی با استقلال به توافق رسید و با قراردادی یک سال و نیمه به این تیم پیوست. پرسپولیسی‌ها هم ناراحت بودند و هم از اینکه استقلال بازیکن مازاد آنها را خریده می‌نوشتند و استقلالی‌ها هم از خرید خوب‌شان می‌گفتند: «بازیکن مازاد پرسپولیس «آرمان رمضانی» بازیکن استقلال شد»، «مدت‌ها فکر می‌کردم این چه اشتباهی بود که کادر فنی/مدیریتی پرسپولیس در جذب آرمان رمضانی کرد؟ امروز خوشحالم که اشتباه تمام‌شدنی نیست: از تیمی به تیم دیگه منتقل میشه. البته کادر فنی و مدیریت استقلال که چیزی جز اشتباه بلد نیست. برو که این پیرهن برای تو نبود و فقط جا تنگ کرده بودی.»، «استاد مددی رفته به خواست فرهاد مجیدی، آرمان رمضانی رو از پرسپولیس برای استقلال خریده. حالا چرا اینقدر شاکیه؟ مگه ندیده مجیدی گفته بازیکن برای نیمکت نمی‌خوام؟»، «حالا استقلالیا میتونن قسم بخورن بازیکنای ما فینال آسیارو دیدن»، «غمگین مثل ادمین پیج‌های استقلالی که تا دیروز علیه رمضانی حرف می‌زدند از الان به بعد باید ازش حمایت کنند»، «آرمان رمضانی دو ساله نزدیک ۷ میلیارد با پرسپولیس قرارداد بست. یه گلم نزد. فاجعه مطلق بود! فاجعه مطلق! ما نقدش می‌کردیم بهمون فحش میدادن و آخرش بیرونش کردن ولی الان رفت استقلال... این تمام حقیقت سیاه فوتبال ایرانه...»، «دوتا خبر خوش با هم دیگه، واقعاً طاقتشو ندارم. اول خبر اومد پرسپولیس تیم اول قاره کهن شده و خبر دوم اینکه آرمان رمضانی رفته استقلال. بر طبل شادانه بکوب»، «آرمان رمضانی عکسای پرسپولیس را از پیجش پاک کرد! ما رو دور نندار بخدا ما اینقد هم بد نیستیم»، «اعتراف می‌کنم متعجب شدم، عجب بمبی بود، خیر باشه، پسر خوبیه. چرایی ماجرا هم روشن میشه، برای هم آرزوهای خوب کنیم.»، «کی میگه آرمان رمضانی خرید بدی برای استقلال بوده؟ کدوم یکی از بازیکنانشون تجربه فینال آسیا دارن؟»، «به نظر می‌رسه باشگاه تصمیم گرفته ۲۰ روز جلوتر دروغ سیزده رو بگه که طبیعی جلوه کنه.»

شهروند مجازی

یگانه خدامی

برف آخر سال

ماجرا

برف و سرمای آخرین روزهای اسفند همه را غافلگیر کرد. خیلی‌ها از برف در شهرهایشان می‌نوشتند و خیلی‌ها هم از این می‌نوشتند که برای باغداران نگرانند. کولاک و تصادف در جاده‌ها مسأله‌ای بود که کاربران زیادی به آن اشاره کردند: «امروز از خواب بلند شدم دیدم مامانم داره گریه میکنه میگم چی شده میگه آب یخ زده عین قهرمان‌ها رفتم کل باکس آبمون رو جوش کردم رفتم پایین تا رو کنتور آب بریزم؛ کنتور آبی که زیر برف مدفون بود. فقط ۶ دقیقه داشتم با دست برف می‌زدم کنار. آخرم آب تموم شد و یخ شکسته نشد»، «نشسته‌ام به مزرعه نگاه می‌کنم. شکوفه‌ها، زیر بلورهای برف آه می‌کشند. بهار از کدام راه میرسی؟ خیال رسیدن زردآلو و گوجه سبز چه دلپذیر بود. جوانی ام در این امید پیر شد. باز هم برف بدموقع اومد و دیر شد.»، «منتظر جهش قیمت میوه تو تابستون به‌خاطر همین یه گله برف باشید. چند ساله برف میاد ولی تو بدترین روزهای زمستون.فقط برای سوزوندن شکوفه ها.»، «به فنا رفتیم و تو معدن گیر افتادیم، برف تمام راه‌ها رو بسته.»، «آخر اسفند یادش اومده برف باید بباره»، «اخبار خوندم ۳هموطن در تصادف ناشی از برف و کولاک اتوبان قزوین-زنجان از دنیا رفتند. خیلی غصه خوردم. تصور کردمشون تو یکسال گذشته چقدر تلاش کردند و شانس باهاشون یار بود که از کرونا جان به در بردند و امشب اما... پرواز کردند.»، «عمیقاً برای اون شکوفه‌هایی که هوا گرم شد و باز شدن و امشب تو این سوز سرما یخ می‌زنن ناراحتم»، «یه نمه برف زده تو کوه و کمر، از دیشب داریم خبرهای تصادف زنجیره‌ای تو جاده‌ها و برخورد بهمن با اتوبوس و کشته شدن چندین هموطن رو می‌خونیم... سؤال: مگه هواشناسی قبلش اخطار نداده بوده؟ راهداریمون دقیقاً کارش چیه؟»، «اینهمه هواشناسی اخطار برف و کولاک داد پس چرا اینهمه ماشین تو اتوبان قزوین-زنجان تو کولاک گیر افتادن و کلی تصادف زنجیره‌ای و کلی دردسر. اسفند ۹۷ با سیل به نوروز ۹۸ رسید و اسفند ۹۸ با کرونا به فروردین ۹۹. اسفند ۹۹ هم با کولاک و طوفان دارد به ۱۴۰۰ نوربالا می‌زند. طوفان و کولاک در ۲۲ اسفند جان تعدادی از هموطنان‌مان را گرفت و به زندگی برخی آسیب زد. بویژه باغداران و کشاورزان.»، «اوضاع در برخی مناطق بحرانی است. برف و باد شدید راه‌ها را بسته است و مردم گرفتار شده‌اند. سازمان هواشناسی یک هفته است هشدار می‌دهد پنجشنبه و جمعه سفر نروید، باد شدید در راه است. حتی هشدار وزش باد به‌صورت محلی تا ۱۲۰ کیلومتر بر ساعت هم داده شد. برخی اما به هشدارها بی‌توجه‌اند.»

عکس نوشت

نخستین جشنواره موسیقی نی انبان به پایان رسید. در اختتامیه این جشنواره از پیشکسوتان نی انبان تجلیل شد و طهماسب برجی، کریم ادریس‌پور، بهرام مهربخش، سهراب مشهدی‌زاده، علی رامشک، احمد علی شرفی و پولاد قهرمان سولو نوازی کردند. نی انبان شناخته شده‌ترین ساز موسیقی جنوب ایران است که در فهرست میراث ناملموس ایران ثبت شده است.